

مبانی و قواعد مهندسی فرهنگی در جامعه از دیدگاه قرآن و روایات

مجله علمی پژوهش در مدیریت و مطالعات اجتماعی (سال پنجم)
شماره ۱۶ / تابستان ۱۳۹۸ / ص ۶۵-۷۷

شاهرخ سالاریان^۱، سیدعبدالله اصفهانی^۲

^۱ کارشناس ارشد تفسیر قرآن

^۲ عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

نویسنده مسئول:

شاهرخ سالاریان

چکیده

از آنجا که اسلام دینی انسان ساز و مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی است، هم چنان که هدف از بعثت پیامبر (ص) مکارم اخلاق است، مسائل فرهنگی و روابط فردی و اجتماعی را در بر می گیرد؛ به طوری که مشاهده می شود در سراسر آیات قرآن کریم و روایات پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) به آداب و رفتارهای صحیح در روابط فردی و اجتماعی تاکید می شود. در عصر حاضر با تحولات و پیشرفت های صورت گرفته اندیشمندان و جامعه شناسان در تمام جوامع بشری این نیاز را احساس کرده اند که فرهنگ فردی و اجتماعی مانند سایر علوم نیاز به برنامه ریزی و مهندسی دارد. از این رو قرآن و سنت دو منبع ارزشمند است که با استناد به آنها می توان پاسخگوی این نیاز بود. از این رو هدف از این مقاله بررسی قواعد و مبانی مهندسی فرهنگی در جامعه از دیدگاه قرآن و روایات است. مقاله حاضر به روش توصیفی نگارش شده و اطلاعات آن به روش کتابخانه گردآوری شده است. در این مقاله دیدگاه قرآن و روایات نسبت به مقوله فرهنگ و مهندسی فرهنگی را از بعد خانواده، آموزش، جامعه و آسیب شناسی مورد بررسی قرار دادیم و در پایان به این نتیجه رسیدیم که هم چنان که ثابت شده است اسلام دینی جامع و کامل است از نظر فرهنگی تمام ابعاد را در بر می گیرد و برای هر یک از این ابعاد چارچوب و الگویی را ارائه داده است.

واژه های کلیدی: فرهنگ، مهندسی فرهنگی، قرآن، خانواده، آموزش، جامعه

۱- مقدمه

بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است، اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و تهی است (صحیفه نور، ۱۳۶۱: ۲۴۳). برای شناخت مهندسی فرهنگی باید یک الگوی درون دینی متقن و حکیمانه و آسمانی داشته باشیم. این الگوی متقن در قرآن موجود است و پیامبر (ص) با مدد قرآن این مسیر را سامان دادند. مساله ای که در پیش روی مربیان، مدیران و مسئولین نظام اسلامی ما می‌باشد، این است که چگونه پدیده‌های دین و فرهنگ، و ارزش‌های فرهنگی و رفتار فرهنگی را در نظام خانواده، نظام تعلیم و تربیت و جامعه تثبیت کنیم و با پایش‌ها و مراقبت‌های مناسب، جلوی به حاشیه رانده شدن و حذف شدن احتمالی آنها را بگیریم. اینک پرسش اصلی این است که مبانی و قواعد فرهنگی از دیدگاه قرآن و روایات چیست؟

دین در تمام عرصه‌های زندگی و اجتماع مطرح شده است و درک ما نیز از مفاهیم دینی همچون توحید، نبوت، معاد و رستخیز، اخلاقیات، اخلاقیات فردی و اجتماعی، احکام، احکام فقهی و حقوقی بسیار متفاوت با قبل است. اما همه اینها، نگرانی پژوهشگران دینی و فرهنگی در زمینه بافت اجتماعی و مدیریت فرهنگی کشور را مرتفع نکرده است. از نظر محتوا محصولات فراوانی را تولید کرده‌ایم، اما از نظر روش، سازمان‌دهی خوبی به این مجموعه اطلاعات نداده‌ایم و در انتقال مناسبشان به مخاطبین دچار مشکل هستیم. ما همچنان که محتوا را از دین می‌گیریم، می‌توانیم روش را هم از دین بگیریم.

۲- ادبیات و پیشینه تحقیق

مطالعات فرهنگی در ایران در نیمه اول دهه هشتاد شمسی ابتدا در سه دانشگاه «علامه طباطبایی»، «دانشگاه تهران» و «دانشگاه علم و فرهنگ» تأسیس شد و سپس در دانشگاه کاشان و سایر دانشگاههای دیگر گسترش یافت.

رضایی، کاظمی و ناظر فصیحی (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۳) در مقاله مشترکشان با عنوان «مطالعات فرهنگی و آینده علوم اجتماعی در ایران»، آسیب‌های پیش روی مطالعات فرهنگی در ایران را ذیل موارد زیر دسته‌بندی می‌کنند: عدم اتصال به جامعه جهانی، تبدیل شدن به بخشی از مد روشنفکرانه، سرگرمی شدن علم مطالعات فرهنگی در ایران، مبتذل شدن مفهوم مقاومت و محدود شدن در سیاست بازنمایی. ما ضمن پذیرش این نقدها سعی کردیم بر اساس تحقیقات بیشتر و مصاحبه با استادان و دانشجویان این رشته، آسیب‌ها و غفلت‌های این رشته را در ایران به تفصیل به بحث بگذاریم.

فوزی و بصیرنیا (فوزی و بصیرنیا، ۱۳۷۸: ۲۱۵). مقاله‌ی خود اینگونه بیان می‌دارند که: «مهندس فرهنگ در حقیقت، کوششی برای ایجاد تغییر آگاهانه‌ی فرهنگی در راستای تحول موضوع مطابق خواست و الگوی ذهنی و آرمان‌های برتر مورد نظر مدیران فرهنگی کشور است. مهندسی فرهنگ فرآیندی است در جهت رسیدن به وضعیت مطلوب در آینده که بدون آن، امکان تحقق آن وضعیت وجود ندارد.» مطالعات فرهنگی رویکردی میان رشته‌ای است که از پیوند جامعه‌شناسی، ارتباطات، ادبیات، انسان‌شناسی، فلسفه و غیره به وجود آمده و هدفش، مطالعه‌ی پدیده‌های فرهنگی در جوامع گوناگون است. در نقد فرهنگ و جامعه‌ی نو و گسترش حوزه‌ی مطالعاتی خود، از مجموعه‌ای از مفاهیم اندیشه‌ها سود برده است؛ از علوم زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی تا مفاهیم ایدئولوژی، هژمونی و گفتمان نزد آلتوسر، گرامشی و فوکو. مطالعات فرهنگی با تلفیق همه‌ی این مفاهیم و دیدگاه‌ها، افق نگرش انتقادی خود را گسترش داده است.

۳- نظریه‌های ارائه شده پیرامون موضوع فرهنگ و بررسی دیدگاه قرآن نسبت به فرهنگ

دیدگاه‌های در خور تأمل در باب چیستی فرهنگ را می‌توان از یک منظر به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

- رویکرد فرانکر: یک گروه از تعریف‌ها در چیستی فرهنگ را می‌توان با نام رویکرد فرانکر یاد کرد. در تعریف صاحبان این رویکرد، فرهنگ، تمامی جنبه‌های حیات بشری را در بر می‌گیرد؛ «فرهنگ، کلیه اشکال زندگی یک قوم (از جمله پایه‌های تفکری آن) را تشکیل می‌دهد که شامل تمامی زمینه‌های فنی موجودیت آن قوم، از جمله نوع البسه، ساختمان، ابزار و... نیز می‌گردد.» (ابراهیمی و طاهری، ۱۳۸۶: ۳۷).
- رویکرد جزئی‌نگر: رویکرد دوم، گروهی از تعریف‌هایی است که فرهنگ را به حوزه‌ی حیات غیر مادی و فرآورده‌های فکری انسان‌ها بر می‌گردانند. همچون تعریف «ریموند ویلیامز» که ابراز می‌دارد: «فرهنگ مجموعه‌ی آثار فکری و خلاقانه است.» (ابراهیمی و طاهری، ۱۳۸۶: ۳۷).

- رویکرد عمل نگر: تعریف هایی است که از دریچه برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های فرهنگی به فرهنگ می نگرد و در کاربرد و ادبیات دستگاه سیاسی و اجرایی و دولتی بدان پرداخته می شود؛ همچون آموزش و پرورش، ورزش، تبلیغات، سینما، تئاتر، هنر و رسانه ها، گردشگری، آثار باستانی و... .
- در دسته بندی دیگر، تمامی این تعریف ها در دو گروه کلی نگر و ذهنیت نگر جای گرفته است.
- دیدگاه کلی نگر: در این دیدگاه، فرهنگ بر کلیت روش های زندگی مردم دلالت دارد. از نمونه های این دیدگاه می توان به تعریف ادوارد تایلور (Tylor) اشاره کرد.
- دیدگاه ذهنیت نگر: این دیدگاه، فرهنگ را به عنوان مجموعه ای از دانش و اعتقادات قلمداد می کند که مردم از طریق آن، ادراکات و تجربیات خود را نظم بخشیده، تصمیم گیری می کنند و فرهنگ، شیوه عمل برای مردم است (ابراهیمی و طاهری، ۱۳۸۶: ۳۷).

از میان تعریف های پیش گفته، آنچه را با دیدگاه دینی دارای قرابت بیشتر می توان دانست، دیدگاه فرانکر در تقسیم نخست و دیدگاه کلی نگر در بخش بندی دوم است. آن دسته از آیات قرآنی که حوزه رسالت و اهداف انبیا، گستره آموزه های دینی و محتوای کتاب های آسمانی را تبیین می کنند، می توانند ناظر به تبیین چستی فرهنگی دینی قلمداد شوند. مانند: (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ) (حدید/۲۵) «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می کند، بی آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است.»

اساس عناصر فرهنگ ساز در قرآن کریم آمده است و آیات و روایات بسیاری در زمینه فرهنگ سخن می گویند اما پایه های آن در آیات سوره حمد (فاتحه) بیان گردیده است، اولین سوره قرآن که دارای اساسی ترین پایه های فرهنگی برای ساختن یک جامعه با فرهنگ توحیدی است. برنامه ریزی فرهنگی در قرآن راه را برای اصلاح و تغییرات یک جامعه حتی بسیار عقب افتاده آماده کرده است مانند عرب بادیه نشین آن دوره پیامبر، از جمله راهبردهای قرآن در برنامه ریزی فرهنگی:

- ۱- جامعه را باید دعوت به توحید کرد
 - ۲- دعوت از جامعه باید از سوی کسی یا گروهی باشد که عامل به عمل صالح باشد.
 - ۳- ارائه پیام فرهنگی مثل بیان و کلام نبی و ارائه آموزش فرهنگی مکتوب مثل کتاب هایی که پیامبران از جانب خدا ارائه می کردند.
 - ۴- انتخاب پیامبران از میان خود آن اقوام آشنا به زبان و آداب و رسوم آنهاست.
 - ۵- صبر و استقامت در امر اصلاح فرهنگی جامعه، صفت بارز اغلب انبیاء و امامان ما صبر و شرح صدر و استقامت ایشان است.
- مهندسی فرهنگی بسته به پارادایم تمدنی خود به یک بنیان های مبانی نظری متکی است، که معقولیت و مشروعیت، ظرفیت مهندسی فرهنگی را تضمین و تامین می کند و این مبانی نیز در مهندسی موردنظر برگرفته از آموزه های وحیانی و انگاره های دینی است. تعالی فکر و اخلاق از یک سو، خود به صورت مستقیم به معنای اصلاح بخش بنیادین فرهنگ، یعنی باورها و ارزش هاست و از سوی دیگر منجر به اصلاح لایه های دیگر فرهنگ مانند سنت ها، هنرها، نمادها و... می گردد. اگر بپذیریم که آنچه پیامبر اسلام (ص) و سایر پیامبران الهی انجام دادند، به معنای دقیق کلمه اصلاح فرهنگ بشری در کلیتش بوده است، می توان نتیجه گرفت که قرآن به عنوان کتابی که هم آموزه ها و هم روش ها را در معرض نگاه انسان ها قرار داده است، می تواند راه مناسبی برای به دست آوردن روش های اصلاح فرهنگ به شمار آید.

۴- راهبرهای مهندسی فرهنگی از دیدگاه قرآن

با مطالعه آثار مفسران و علمای علوم اجتماعی درمی یابیم که روش اصلاحی قرآن از نظر محتوا و درون مایه نیز ویژگی ها و خصوصیتی دارد که الگو بخش مصلحان اجتماعی است که میتوان آن را راهبردهای مهندسی فرهنگی از دیدگاه قرآن دانست. به طور خلاصه این راهبردها عبارتند از:

۱-۳- خداآوری

از منظر قرآن «از خدا بودن» و «به سوی خدا رفتن» مهم ترین اصل مهندسی فرهنگی به شمار می آید که سایر اصول برمبنای این اصل پی ریزی شده است. «وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ» «و به سوی [قوم] ثمود، صالح، برادرشان را [فرستادیم] گفت: «ای قوم من، خدا را بپرستید، برای شما معبودی جز او نیست» (اعراف: ۷۳ و هود: ۶۱)

۲-۳- ایمان به انبیاء

ایمان به انبیاء و رسالت آنان، به عنوان واسطه میان خلق و خدا، از اصول ایمان به خدا محسوب می شود. «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ» [پیامبر [خدا] بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان آورده است، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب ها و فرستادگانش ایمان آورده اند [و گفتند: «میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی گذاریم» (بقره: ۲۸۵)]

۳-۳- هدفمندی هستی و زندگی انسان

هدفمند بودن زندگی انسان، مسئولیت انسان در زندگی و پاسخگویی او در آخرت نیز یکی از اصول مهم و کلیدی مهندسی فرهنگی قرآن محسوب می گردد. «ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ» [ما [آسمان ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق و [تا] زمانی معین نیافریدیم» (حجر: ۸۵)]

۴-۳- واقع گرایی در اندیشه و زندگی، فلسفه اطاعت خدا و رسول

بخش بزرگی از آیات قرآن به تذکر و توجه دادن به آیات تکوینی الهی اختصاص یافته است. بخش دیگری از آیات، تاریخ تاریک یا روشن بشر در مواجهه با حق و باطل را گزارش می کند. بخش قابل توجهی از آیات، به بیان سنت های تکوینی و تشریعی الهی می پردازد (زحیلی، ۱۴۱۸: ۹۵۰).

۵-۳- عقل گرایی

روش قرآن در مواجهه با چالش های فرهنگی، روش انگیزش از درون بر پایه آگاهی و انتخاب است، امری که یکی از لوازم جدایی ناپذیرش، اهمیت دادن به نیروی عقلی انسان می باشد.

۶-۳- علم گرایی

یکی از راهبردهای اصلی قرآن در انجام رسالت پیامبر (ص)، تکیه بر علم و آگاهی مخاطبان است. آیات وحی نه تنها از مخاطبان می خواهد که در مواجهه با باورها، ارزش ها و سنت ها آگاهانه عمل کنند، بلکه خود بر تعلیم و آگاهی بخشی مخاطبان می پردازد.

۷-۳- فطرت گرایی

طبق گزارش قرآن، اسلام در کلیتش برآمده از فطرت انسان و متکی بر آن است؛ (فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ) (روم/۳۰) «پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییر پذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی دانند.»

۸-۳- مسئولیت انسان در زندگی و پاسخگویی او در آخرت

(إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا لِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى) (طه/۱۵) «لحظه قیامت حتماً فرا می رسد، زمان آن را پنهان داشته ام! قیامت برای آن است که هر کس پاداش تلاش های خود را دریافت کند.»

۹-۳- تلقی واقعی از خود

قرآن در راستای تربیت انسان و جامعه انسانی یکی از چیزهایی که بر آن تأکید دارد، فهم و باور صادقانه انسان و جامعه نسبت به ضعف ها و کاستی های خود است (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۷۶). و نیز به همین خاطر تقدیس و پیروی کورکورانه و نابخردانه مشرکان و منحرفان نسبت به تاریخ و فرهنگ گذشته شان به عنوان یک تفکر غلط، نقد و نفی شده است؛ (إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَ لَا يَهْتَدُونَ) (بقره/۱۷۰) «و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می گویند: «نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته ایم، پیروی می کنیم.» آیا هر چند پدران شان چیزی را درک نمی کرده و به راه صواب نمی رفته اند [باز هم در خور پیروی هستند]؟»

۱۰-۳- تدرج

آموزه های قرآن کریم در دو مورد، سیاست تدریج و گام به گام را در پیش گرفته است، یک در ابلاغ و بیان، چرا که می توانست یک باره نازل شود، اما مرحله به مرحله و تکه تکه نازل گردیده است؛ (وَقَرَأْنَا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْتٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا) (اسراء/۱۰۶) «و قرآنی [با عظمت را] بخش بخش ابر تو نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی، و آن را به تدریج نازل کردیم.»

۱۱-۳- تجدید گرایی

تصور عمومی این است که آموزه های دینی امور ثابت و همیشگی و تغییر ناپذیر است. این تصور نسبت به باورها و ارزش های دینی درست است، اما نسبت به تشریعات و هنجارهای دینی به صورت مطلق درست نیست.

۳-۱۲- ریشه گرایی

شکل گیری یک حرکت در درون فرهنگ کلان جامعه از دو راه می تواند صورت بگیرد: یکی از سطح به عمق، یعنی شروع از لایه ها و سطوح روبین به سمت لایه ها و سطوح زیرین و ژرف. و دیگر از عمق به سطح و ایجاد حرکت در لایه های زیرین و بنیادین به قصد رسیدن به سطوح برین و عینی. قرآن کریم راه دوم را پیشنهاد می کند

۳-۱۳- بهره گیری از معادله سود و زیان

قرآن در روش اصلاح گری خویش بر معادله سود و زیان به معنای اعم از دنیوی و اخروی توجه و تأکید دارد. حرکت اصلاح و تغییر باید با تکیه بر عمیق ترین انگیزه انسان ها که همان جلب منفعت و دفع مضرت است صورت گیرد.

۳-۱۴- ضرورت حرکت آگاهانه و عاقلانه و مسئولانه در زندگی

آن آغاز و این فرجام می طلبد که انسان حرکت خود را در زندگی آگاهانه و اندیشمندانه انتخاب کرده و پی گیری نماید، چرا که در قبال هر گام باید پاسخگو باشد. (هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ) (زمر/۹) «آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟!»

۳-۱۵- لزوم بهره گیری از «امکانات فطری» و «هدایت های انبیا» در شناخت صحیح هستی و زندگی

(قُلْ هُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ) (ملک/۲۳) «بگو او کسی است که شما را آفرید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد.»

۳-۱۶- تدبّر در کلام الهی و اطاعت از انبیا

(كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ) (ص/۲۹) «این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده ایم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان متذکر شوند!»

۳-۱۷- دستیابی به زندگی واقعی و بهینه، فلسفه اطاعت از خدا و رسول

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ) (انفال/۲۴) «ای کسانی که ایمان آورده اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می خوانند.»

۳-۱۸- برنامه های عملی قرآن برای تحقق زندگی برتر و بهتر انسان بر کره خاک

در قرآن مجید اخطاب هایی که در قرآن، قبل از وارد شدن انسان به جرگه مؤمنان متوجه او شده است، معمولاً با تعبیر (یا ایها الناس) است، ولی هنگامی که قرآن از ساحت هستی شناسی و بیان اصول بنیادین عبور کرده و به عرصه برنامه های عملی گام نهاده است، خطاب ها معمولاً با عنوان (یا ایها الذین آمنوا) می باشد.

۵- جایگاه و اهمیت خانواده در قرآن کریم

قرآن کریم از خانواده تحت عناوین مختلفی یاد می کند که عبارتند از:

- آیه ای از آیات خدا: خانواده (زن و شوهر) در قرآن به عنوان نشانه ای از نشانه های خداوند و مایه آرامش روحی شمرده شده است: وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم: ۲۱)؛ و از نشانه های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند قطعاً نشانه هایی است.
- پیوند محکم: براساس دیدگاه اسلامی، آفرینش زن و مرد از یک خمیرمایه است و در بین آنها همبستگی و پیوندی وجود دارد که در سایه ازدواج این همبستگی به صورت میثاقی غلیظ (پیمان محکم) در می آید: وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَ أَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (نساء: ۲۱)؛ و چگونه آن [مهر] را می ستانید با آنکه از یکدیگر کام گرفته اید، و آنان از شما پیمانی استوار گرفته اند؟
- نجات از فقر و برخورداری از فضل خداوند: برخی افراد از ترس فقر، تن به ازدواج نمی دهند و گمان می کنند فقر و ناداری موجب ناکامی آنها در زندگی می شود. درحالی که خداوند در قرآن می فرماید: ازدواج کنید و اگر فقیر باشید، خداوند شما را از فضل خود بی نیاز می سازد: وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (نور: ۳۲)؛ بی همسران خود، و غلامان و کنیزان درست کارتان را همسر دهید. اگر تنگ دستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر داناست (نور: ۳۲).

- لباس یکدیگر: در سوره بقره از زن و مرد به عنوان لباس یکدیگر یاد شده است: أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ... (بقره: ۱۸۷)؛ در شب های روزه، همخوابگی با زنان بر شما حلال گردیده است. آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید.
- عامل تکثیر نسل: یکی از مهم ترین کارکردهای خانواده، ایجاد و گسترش نسل است. قرآن کریم در این باره فرموده است: فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَكُمْ كَيْفَ تَلْهَوْنَ عَنْهُ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (شوری: ۱۱)؛ پدیدآورنده آسمان ها و زمین است. از خودتان برای شما جفت هایی قرار داد، و از دام ها [نیز] نر و ماده [قرار داد]. بدین وسیله شما را بسیار می گرداند. چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا.
- دژی در مقابل زندگی سراسر فسق و فجور: ... فَأَنكِحُوهُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ (نساء: ۲۵)؛... پس آنان را با اجازه خانواده شان به همسری [خود] درآوريد و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید [به شرط آنکه] پاکدامن باشند نه زناکار، و دوست گیران پنهانی نباشند.
- ۸. سنت پیامبران الهی: خداوند متعال تشکیل خانواده را از سنت پیامبران آسمانی دانسته و فرموده است: وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَ ذُرِّيَّةً (رعد: ۳۸)؛ و قطعاً پیش از تو [نیز] رسولانی فرستادیم، و برای آنان زنان و فرزندان قرار دادیم. و هیچ پیامبری را نرسد که جز به اذن خدا معجزه ای بیاورد. برای هر زمانی کتابی است.

۶- رویکرد مهندسی فرهنگی در مورد خانواده

همیشه وجود الگوها و سرمشق های بزرگ در زندگی انسان ها وسیله مؤثرتری برای تربیت آنها بوده است. قرآن نیز بر این مسأله مهم صحه گذاشته است. از جمله در آیه (قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ... برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند، وجود داشت ...) (الممتحنه، ۴). قرآن جایگاه حقوقی و وظایف افراد را با ویژگی های زیر تعیین می نماید (ر.ک، الفرقان، ۶۳-۶۷):

- مشی آرام و بی تکبر
- حلم و بردباری
- سجده و قیام برای خدا
- ترس از کیفر الهی
- دوری از افراط و تفریط
- تواضع
- دوری از سخنگیری و اسراف

نهاد خانواده از دیدگاه قرآن در عین اجتماعی بودن، نهادی اخلاقی، معنوی و حقوقی است که حقوق و اخلاق در حیطه آن در هم تنیده است و محبت و عشق ورزی بر روابط آن حکم فرماست. تمام این اصول و احکام مانند روابط فرزند و والدین و روابط زوجین جزء مبانی مهندسی فرهنگی محسوب می شوند. در حالی که هدایت و راهبری خانواده مطابق فرهنگ اسلامی جزء قواعد مهندسی فرهنگی به شمار می روند.

۷- مفهوم تعلیم و تربیت از دیدگاه قرآن و روایات

«پرورش نیروی فکری و بعد عقلانی انسان» گفته اند: تعلیم است. «فراهم آوردن زمینه برای رشد و شکوفایی استعدادهای ذهنی انسان» (شریعتمداری، ۱۳۸۲). قرآن کریم برای بیان واقعیتی به نام آموزش و نیز واقعیت دیگری به نام تربیت، دو عنوان و واژه مستقل برگزیده و به کار بسته است. از آیه ۷۹ آل عمران ۳/ برمی آید که تعلیم و تعلم با هدف جلب خشنودی خدا، ربانی شدن را برای انسان به ارمغان می آورد (الفخرالرازی، ۱۴۱۳، ۱۲۰). از جمله ادله ای که برای اثبات جایگاه محوری تزکیه در میان سایر مفاهیم تربیتی قرآن می توان برشمرد، دو چیز است:

- ۱- از تأمل در واژه های تربیتی و آیاتی که سیمای انسان رشد یافته و تکامل یافته از جنبه استعداد و نیروهای معنوی را ترسیم می کند، «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» و «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» «هر کس نفس خود را پاک و تزکیه [تربیت] کرده است، رستگار شد. و آن کس که نفس خود را با معصیت و گناه آلوده ساخت، نومید و محروم گشته است.
- ۲- دلیل دیگر آن است که فرایند رسالت پیامبران و مهم ترین کار ویژه آنان در قرآن، تعلیم و تزکیه آدمیان معرفی شده است؛ «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ ...» (آل عمران، ۱۶۴) «خداوند بر مؤمنان منت نهاد [=نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنها پیامبری از خود ایشان بر انگيخت که آیات او را بر آنها می خواند و آنها را پاک می کند و کتاب و حکمت می آموزد».

نظام فکری اسلام به طور کلی جنبه تربیتی دارد (شریعتمداری، ۱۳۵۸: ۸-۱۰). در این نظام، نه فرد به تنهایی مدنظر است، نه جمع. در نظام تربیتی اسلامی، جمع نیز وظایف و تکالیفی دارد. در تعلیم و تربیت اسلامی، هم از علم بحث می‌شود، هم از تفکر؛ هم از قدرت عقلانی سخن به میان می‌آید، هم از پرورش جنبه اجتماعی شخصیت آدمی هم بر جنبه زندگی مادی تأکید می‌شود، هم بر زندگی معنوی هم از عدالت بحث می‌شود، هم از خود گذشتگی. در این نظام، معیار برتری انسان‌ها، فضیلت و تقوا است؛ و وظیفه تعلیم و تربیت به عهده معلم و پدر و مادر است و همه با طرح امر به معروف و نهی از منکر مربی یکدیگرند. حال با توجه به این مبانی و اهداف در اینجا به صورت فهرست وار برخی از اصول تعلیم و تربیت به ویژه در اسلام را عنوان می‌کنیم:

- استمرار و تداوم در تعلیم و تربیت (اطلبوا العلم من المهدی الى الحد).
- ارتباط متقابل بین تعلیم و تربیت در اسلام .
- توجه به رشد و بلوغ .
- توجه به تدریجی بودن مراحل رشد .
- توجه به نقش وراثت در تعلیم و تربیت اسلامی .
- قابلیت تاثیر و تاثر کودک پیش از تولد .
- انعطاف پذیری انسان در تعلیم و تربیت و اختلاف از نظر میزان بهره گیری از جریانات یاددهی - یادگیری
- احترام به شخصیت کودک به عنوان یک انسان و رفتار محبت آمیز همراه با علاقه دوطرفه (مربی و متربی) .
- ایجاد امنیت خاطر و حس اعتماد متقابل .
- اهمیت چه آموزی و چگونه آموزی .
- اصل تربیت کودک در اسلام بر خود آموزی است .
- هدف تربیت کودک آماده سازی اوست برای انسان زیستن .
- آزادی در یادگیری با توجه به پاکی فطرت انسان سبب رشد طبیعی و رضایت بخش کودک می گردد.
- رعایت انضباط در تعلیم و تربیت.

۸- رویکرد مهندسی فرهنگی در رابطه با حقوق معلم و متعلم

۱. آموزگار به منزله مالک و مولای انسان: پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمودند: هر کس به شخصی مسأله‌ای بیاموزد، مالکش می‌گردد. گفته شد: آیا حق خرید و فروش او را هم دارد؟ حضرت فرمودند: نه، بلکه امر و نهی می‌نماید. یعنی دانش آموختگان باید مطیع اوامر و نواهی معلمان باشد.
۲. فروتنی در برابر معلم و دانشمند: پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمودند: «در برابر دانشمند فروتنی کنید و او را بالا ببرید...».
۳. حقوق معلم از رساله حقوق امام سجاد - علیه السلام - :
«و اما حق سائسک بالعلم، التعظیم له و التوقیر لمجلسه و حسن الاستماع الیه و الاقبال علیه و أن لا ترفع صوتک و أن لا یجیب أحداً یسأله عن شیء حتی یكون هو الذی یجیب و لا تحدث فی مجلسه أحداً و لا تغتاب عنده أحداً و أن ترفع عنه اذا ذکر عندک بسوء و أن تستر عیوبه و تظهر مناقبه و لا تجالس له عدواً و لا تعادی له ولیاً فاذا فعلت ذلک شهید لک ملائکه الله بانک قصدته و تعلمت علمه لله جل اسمُه لا للناس» (الحرانی، ۱۳۸۲، ۲۶۰)؛ مراد از «سائس بالعلم» در بیان حضرت همان معلم است، چنان چه در کتب لغت، «سائس» مترادف کلمه «قیم» به معنای برپا دارنده، وادار کننده چیزی است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۰).

۹- فرهنگ اجتماعی از دیدگاه قرآن

برخی از مهمترین مصادیق قرآنی را جهت بهره گیری و تدوین مدل فرهنگی ارتقا و تعالی فرهنگی می توان چنین برشمرد:

- آداب رفت و آمد: بقره، ۱۸۱؛ نور، ۵۸، ۵۶ - آهسته سخن گفتن: لقمان، ۱۹
- آداب میهمانی: - اجازه گرفتن: احزاب، ۵۳ - بهنگام رفتن و بهنگام برخاستن: احزاب، ۵۳
- آداب همنشینی: - برخاستن بهنگام: مجادله، ۱۱ - جای خود به دیگران وانهادن: مجادله، ۱۱
- آرزوهای روا: شعراء، ۵۸؛ آرزوهای ناروا: نساء، ۳۲، ۱۲۲، ۱۲۳؛ حجر، ۳؛ محمد، ۲۵
- آزاد اندیشی: زمر، ۱۷، ۱۸
- آزار دیگران: احزاب، ۵۷، ۵۸؛ توبه، ۶۱؛ احزاب، ۶۹

آزارها را به هیچ انگاشتن: احزاب، ۴۸

• آزمایش: حج، ۱۱، ۵۳، ۵۲

• آموزش و پرورش: علق، ۱، ۵

• اتحاد: آل عمران، ۱۰۳؛ صف، ۴

• احترام به خویشان: توبه، ۱۴ - به سیره مسلمانان: نسا، ۱۱۵ - به شعائر الهی: مائده، ۲؛ مریم، ۱۲

احسان: بقره، ۵۸، ۸۳، ۱۱۲، ۱۹۵؛ آل عمران، ۱۳۴؛ مائده ۳؛ اعراف، ۱۶؛ یوسف، ۷۸، ۹۰؛ نحل ۷، ۹۰

اختلاف: آل عمران، ۱۰۳؛ هود، ۱۱۰؛ مریم، ۳۷

اخلاص: بقره، ۱۳۹، ۲۶۵، ۲۷۳؛ نسا، ۱۱۴، ۱۴۶؛ انعام ۲، ۹۱، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳؛ اعراف، ۲۹؛ یونس، ۲۴؛ کهف، ۲۸، ۱۱۰؛ مریم، ۵۱؛ قصص، ۸۸؛

عنکبوت، ۶۵، ۹۶؛ روم، ۳۰، ۳۸، ۳۹؛ زمر، ۲، ۳، ۱۱، ۱۴؛ مؤمن، ۱۴؛ شوری، ۲۳؛ احقاف، ۱۳؛ انسان، ۹؛ توحید؛

• اخلاق جنسی: بقره، ۲۲۲، ۲۲۳

• ادب: - ادب و انضباط: حجرات، ۱، ۲، ۳، ۴ - ادب و تسلیم: انبیاء، ۲۷

• ارزش: - ارزش انسان: نحل ۵-۱۵ - ارزش به چگونگی، نه به مقدار: توبه ۷۹

• استغفار: انفال، ۳۳؛ نمل، ۴۶؛ قصص، ۱۶؛ محمد، ۱۹؛ ممتحنه، ۴؛ مزمل، ۲۰

• اصرار بر گناه: واقعه، ۴۶

• اصلاح: اعراف، ۱۴۲؛ شوری، ۴۰

• اطاعت: - اطاعت نکردن از گناهکاران: قلم، ۸-۱۳ - و تسلیم: محمد، ۲۱؛ شوری، ۴۷، ۴۸

اظهار خوبیها: نسا، ۱۴۸

• اعانت بر مظلوم: قصص، ۱۵

• اعتدال: بقره، ۱۴۳ - اقتصاد: فرقان، ۶۷؛ فاطر، ۳۲ - تعادل روحی: حدید، ۲۳؛ - در انفاق: اسراء، ۲۹ - میانه روی: مائده، ۶۶؛ اسراء، ۱۱۰

• ایثار: حشر، ۹؛ انسان، ۸؛ - ایثار جانی: بقره، ۲۰۷

در دیدگاه علوی، پیشرفت و تعالی هدف نیست، بلکه وسیله ای است در جهت دستیابی به کمال انسان به مثابه اشرف مخلوقات. توسعه علوی، فرایندی جهتدار است و هدف نهایی آن رسیدن انسان به کمال شایسته مقام اوست که براساس جهان بینی و فرهنگ اسلامی، کمال نهایی انسان قرب الی الله است (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۶، ۶۱-۷۸). برای دستیابی به این هدف ابتدا، بایستی با انجام مهندسی فرهنگ، فرهنگ مطلوب جامعه آگاهانه (مبتنی بر ارزشها) و فعالانه (براساس چشمانداز تعالی) تدوین شود. بین جنبه های مادی و معنوی فرهنگ، کنش های متقابلی وجود دارد؛ تغییر یکی موجب تغییر دیگری خواهد شد (آریانپور، ۱۳۷۵، ۲۶۰). اصالت فرهنگ معنوی و تأثیرگذاری آن بر جنبه های مادی فرهنگ را در این آیات مبارکه از قرآن می توان دید:

(...إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...) (رعد/۱۱) «خداوند سرنوشت هیچ قوم می (و ملتی) را تغییر نمی دهد، مگر اینکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند».

در پاره ای زمینه ها ممکن است تغییرات فکری (یا تغییرات کیفی)، یعنی جنبه معنوی فرهنگ، سبب تغییر در تکنیک شود و تکنیک که خود محصول اندیشه انسان است، به نوبه خود به عنوان عاملی جدید، سبب تغییرات فکری افراد در جامعه گردد (شایانمهر، ۱۳۷۷).

۱۰- مهندسی فرهنگی در نظام اجتماعی

«مهندسی فرهنگی» از ضرورت‌هایی ناشی می‌شود که از ذات مقوله فرهنگ برخاسته است. فرهنگ هر جامعه‌ای مجموعه‌ای از اجزا و جنبه‌های ثابت و بادوام دارد که عامل استمرار و تداوم یک فرهنگ است. این تداوم و استمرار موجب می‌شود تا هر فرهنگی ویژگی‌ها و ماهیت خود را حفظ کند. فرهنگ به عنوان زیربنای جامعه انسانی بر پایه مفروضات و اصول اساسی شکل می‌گیرد؛ و بر روی آنها ارزش های فرد و جامعه تشکیل می‌یابد که در نهایت این ارزش ها به هنجار اجتماعی تبدیل شده و در قالب رفتار فردی و جمعی تبلور عینی می‌یابد. مهندسی فرهنگی در گرو شناخت فرهنگ و فرهنگ همزاد جامعه است. الگو قرار دادن آیات و روایات در ایجاد فرهنگ مبتنی بر نیازهای زمانی جامعه جزء مبانی مهندسی فرهنگی به شمار می‌رود و انسجام و هماهنگی و عدالت در جامعه از قواعد مهندسی فرهنگی محسوب می‌شود. بدین ترتیب می‌توان با آسیب های اجتماعی مقابله کرد که نتیجه در نظر داشتن مبانی و قواعد مهندسی فرهنگی جامعه ای سالم خواهد بود.

۱-۱- مروری بر آسیب شناسی فرهنگی از منظر قرآن

بی شک رواج فسق و فساد و شکستن موازین شرعی و اخلاقی، به اختلال در روابط اجتماعی و پدیده های حیاتی جامعه و طبیعت می انجامد و به صورت مستقیم فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد (پایدار، ۱۳۵۸). خداوند متعال، رسولان خویش را در راستای ایجاد مکارم اخلاقی برای مردمان فرستاد: «انما بعث لأتمم مكارم الاخلاق». همانا من برای تکمیل مکارم اخلاق مبعوث شدم. با بررسی آیات، روایات و تاریخ به این نتیجه می رسیم که عصر جاهلیت عرب، یا برخی از جوامع پیشین بازرترین جوامعی بودند که انحطاط فرهنگی آن ها را فرا گرفته بود. حضرت حق (جل و علی) مردمان عصر جاهلیت را بر لبه پرتگاه حفره های از آتش می داند که اسلام، آنان را از آن پرتگاه نجات بخشید: «وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا...» (آل عمران، ۱۰۳) (دشتی، ۱۳۸۶). حضرت علی (ع) برای به تصویر کشیدن انحطاط فرهنگی جامعه جاهلیت، به مهم ترین زمینه های فرهنگی آنان اشاره می فرماید.

تاریخ امروز و گذشته، صحنه های مجازات الهی را نشان می دهد. قرآن برای جلوگیری از انحراف انسان ها و به قصد عبرت آموزی آن ها چنین کسانی را مثال می زند و می فرماید که خداوند شالوده زندگی آنان را از اساس ویران کرد و سقف بر سرشان فرو ریخت و عذاب الهی از جایی که نمی دانستند به سراغشان آمد (نمل، ۲۶). قرآن برای هدایت انسان ها به راه درست، از همگان می خواهد که تفکر و تدبیر کنند (عبدالباقی، ۱۳۷۴: ۵۹۴-۵۹۵) و می فرماید: اینگونه خدا مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما می نمایاند، باشد که بیندیشید (بقره، ۷۳). از دیدگاه قرآن آسیب های فرهنگی عبارتند از:

۱-۱-۱- غفلت از الگوهای شایسته

فردی که می خواهد در مسیر سعادت قدم بردارد، برای طی نمودن مسیر بدون کمترین انحراف، شایسته است الگویی داشته باشد تا همانند او گام بردارد. البته باید هوشیار باشد که در این مسیر هر شخصی صلاحیت الگو واقع شدن را ندارد. به همین علت قرآن کریم، افرادی را به عنوان الگو معرفی می نماید که به سبب برخورداری از مقام عصمت، مسیر عمل به دین را به سلامت پیمود هاند. خداوند متعال در آیه ۲۱ سوره احزاب می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ قطعاً رسول خدا الگویی نیکو برای شماست، برای کسی که به خدا و روز واپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند.

۱-۱-۲- تقلید کورکورانه

در تعدادی از آیات قرآن، به پیروی و تقلید مشرکان و کفار از پیشینیان اشاره شده و این عمل مذمت شده است. این عمل آنها به گفته علامه طباطبایی، تقلید باطل است. انسان به جهت عدم آگاهی از تمام امور، ناگزیر است تا تقلید نماید و این طبیعی و عقلانی است؛ اما زمانی این تقلید صحیح و کارگشا خواهد بود که از روی آگاهی و با دلیلی روشن همراه باشد.

۱-۱-۳- برداشت غلط از دین

خداوند متعال در آیه ۴۳ سوره نحل می فرماید: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ آنچه را نمی دانید، از اهل ذکر سؤال کنید. روایات بسیاری ذیل این آیه و در معرفی «اهل الذکر» وجود دارد که در آنها اهل بیت: به عنوان اهل الذکر معرفی شده اند (صفار، ۱۴۰۴، ۴۰-۴۱). بهترین روش برای یافتن پاسخ نادانسته ها، خصوصاً در مسائل مربوط به دین، رجوع به پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان: است که تنها مصدیق شایسته «اهل الذکر» هستند. البته این به معنای کنار نهادن قرآن کریم نیست؛ زیرا در فرهنگ دین، قرآن و اهل بیت: قرین یکدیگرند. امام صادق (ع) می فرماید: «مَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنْ أَقْوَامِ الرِّجَالِ، أَزَالَتْهُ الرِّجَالُ، وَ مَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنَ الْكُتَابِ وَ السُّنَّةِ، زَالَتْ الْبَالُ وَ لَمْ يَزَلْ» (مفید، ۱۴۱۴، ۷۲) هر کس دینش را از دهان های مردم بگیرد، مردم او را نابود می کنند و کسی که دینش را از کتاب و سنت بگیرد، کوه ها نابود می شوند در حالی که او پایرجاست.

۱-۱-۴- تسلیم نبودن در برابر خدا

خداوند متعال در آیه ۲۰۸ سوره بقره می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید همه جانبه در عرصه تسلیم [از خدا] درآیید و از گام های شیطان پیروی نکنید که او نسبت به شما دشمنی آشکار است. مفسران معنای تسلیم و اطاعت را برای واژه «سلم» برگزیده اند. «کافه» در اینجا حال است یا برای فاعل ادخلوا و یا برای السِّلْم (عکبری، ۵۴). در فرض اول، معنا این است که همگی داخل در اسلام شوید؛ و در فرض دوم، معنا این است که به طور کامل و همه جانبه، فرمانبردار و تسلیم باشید. شأن نزول ذکر شده برای آیه، مؤید فرض دوم است. بنابراین آنچه از آیه ۲۰۸ سوره بقره به دست می آید، این است که در برابر فرامین الهی می بایست تسلیم بود و همگی آنها را پذیرفت و عمل نمود و چنین نباشد که برخی پذیرفته و مورد عمل واقع شود و برخی دیگر متروک مانده و عمل نشود.

۵-۱۱- دنیاگرایی

خداوند متعال در آیه ۱۶ سوره اعلی می فرماید: ﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾؛ لیکن شما زندگی نزدیکتر (دنیا) را ترجیح می دهید. آیه بعد می فرماید: ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾؛ با آنکه [جهان] آخرت نیکوتر و پایدارتر است. پس آنچه حیات دنیا بر آن ترجیح داده می شود، آخرت است. آنچه موجب آسیب به دینداری خواهد شد و از سوی معصومین نیز نسبت بدان هشدار داده شده، مواردی است که در تقابل دنیا و دین یا به تعبیری دنیا و آخرت، دنیا برگزیده شود و بر دین و آخرت ترجیح داده شود.

۴-۱۱- عمل نکردن به کتاب الهی و تنها اکتفا به قرائت آن

آیه ۵ سوره جمعه ۳ درباره یهودیانی است که کتاب آسمانی شان را حفظ و نگهداری می کردند، اما به محتوای آن عمل نمی نمودند (طبرسی، ۱۴۰۷، ۵۳۰). هر کس قرآن را تلاوت کند، اما بدان عمل نکند نیز شایسته این تشبیه قرآن خواهد بود. یکی از دلایل تأکید خداوند به تدبر در قرآن، زمینه سازی برای فهم آیات و در نتیجه عمل بدان است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۸۲).

در جامعه اسلامی، فرهنگ مطلوب و مورد پیروی باید فرهنگ قرآنی باشد. مهندسی فرهنگی به دنبال آن است طرحی ارائه نماید که فاصله فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی را کم نموده و یا فرهنگ واقعی را به سمت فرهنگ آرمانی سوق دهد.

۱۲- نتیجه گیری

عنایت و توجه به فرهنگ، از آن رو اهمیت دارد که عامل هویت بخش انسان‌ها و جوامع است. پس می‌توان فرهنگ را به گونه‌ای متناسب با شرایط و ضروریات، تغییر، توسعه و متحول ساخت و بدیهی است که می‌توان بر فرهنگ مدیریت کرد. اما همه اینها موکول به شناخت صحیح ارکان، ابعاد، جایگاه میزان اثرپذیری و اثرگذاری آن بر دیگر عوامل در جهان کنونی است که آهنگ یکپارچگی و اتحاد دارد.

به مهندسی فرهنگ می‌بایست به عنوان یک مهندسی سیستم نگریسته شود. در مهندسی فرهنگ همه این انواع فرهنگ باید مهندسی شوند؛ عاملی که یک ملت را به رکود و خمودی یا تحرک و ایستادگی، صبر و حوصله یا پرخاشگری و بی‌حوصلگی، اظهار ذلت یا احساس غرور و عزت در مقابل دیگران، به تحرک و فعالیت تولیدی یا به بیگاری و خمودی تحریک می‌کند. فرهنگ به عنوان شکل دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است. اندیشیدن و تصمیم‌گیری جامعه بر اساس فرهنگی است که بر ذهن آنها حاکم است (ابراهیمیان، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

قرآن به عنوان یک منشور جهانی و فراگیر با تکیه بر هدف خلقت انسان و غایت زندگی او، متضمن مجموعه آموزه‌هایی است که عمل براساس آنها رستگاری و کمال انسان را به دنبال دارد. جامعه چون یکی ارگانیزم زنده از بخشهای متنوع و مختلفی تشکیل شده و این بخشها با توجه به شرایط و کار ویژه‌های مخصوص به خود هر کدام نیازی از این کالبد را برطرف و مراتب یک حیات سالم و متری را فراهم می‌کند. در این بین یکی از اساسترین نهادها در هر جامعه، نهاد فرهنگ است چرا که اساساً فرهنگ هر جامعه است که سایر نهادها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. یکی از دغدغه‌های اساسی و ذاتی بشر که از گذشته‌های دور تا کنون شاهد ظهور و بروز آن بوده ایم، تلاش وی برای تغییر وضعیت موجود به وضعیت مطلوب بوده است و یکی از آشکارترین این تلاش‌ها در ساخت فرهنگ شکل گرفته است. در این زمینه بعثت پیامبران الهی و نزول کتاب‌های آسمانی، نقش بسیار مهم و سرنوشت‌سازی را در دستیابی انسان به این هدف ایفا کرده است. اسلام به عنوان دین خاتم و کامل‌ترین مکتب برای هدایت و رشد بشر دیدگاه‌های ویژه‌ای در این زمینه دارد که آگاهی از این دیدگاه‌ها اولین گام برای تحقق فرهنگ مطلوب است این دیدگاه‌ها در قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) و جانشینان معصوم (ع) وی منعکس گردیده است. بهترین فرهنگ‌ها، فرهنگی است که برآمده از بطن دین و باورهای دینی باشد. بهترین فرهنگ را دینی ارائه می‌دهد که کاملترین دین باشد و به همه جنبه‌های فکری و عقیدتی و عملی و تحقق‌پذیر زندگی توجه داشته باشد. لذا فرهنگ اسلامی به موجب حضور جوهره اصلی دین یعنی توحید و ربانی بودن دارای هویتی است که در آن همه ابعاد زندگی، عشق و حماسه، دین و دنیا، عقل و وحی، سیاست و فلسفه و هنر و... همه در کنار هم مینشینند و هویت واحدی برای برآورده کردن همه نیازهای انسان در مسیر هدایت تشکیل می‌دهند.

نظام فرهنگی قرآن به لحاظ باورها و اهداف مشترک انسانی، بر توحید محوری و عدالت‌خواهی مبتنی است. به لحاظ نظام ارزشی نیز نظام فرهنگی مد نظر قرآن بر تعهدات اجتماعی و امانتداری مبتنی است. با توجه به اینکه هنجارمندی جامعه به وحدت نمادی (تفاهم فرهنگی) و به دنبال آن نظم اجتماعی می‌انجامد، استخراج شاخص‌ها و ویژگی‌های هنجار از منظر قرآن ضروری است. علاوه بر همسویی با عقل، یک هنجار باید با فطرت انسان نیز سازگار باشد. هنجارهای اسلامی نه تنها با عقل راستین همسوست، بلکه بر فطرت انسانی نیز ریشه دارد (روم/۳۰). چون ریشه فطری دارد به آسانی مورد پذیرش قرار می‌گیرد (مطهری، ۱۳۸۱).

منابع

- آریان پور، ا. ح. (۱۳۷۵)، زمینه جامعه شناسی، چاپ یازدهم، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- ابراهیمی، علی؛ طاهری، محمد حسین (۱۳۸۶)، برنامه ریزی فرهنگی، اصل نخستین در مهندسی فرهنگی، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، چاپ اول، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ابراهیمیان، سید حسین (۱۳۹۱)، بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب شناسی فرهنگی در نظام آموزش عالی، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دوم، ش ۵ (بهار).
- ابن شعبه الحرانی، حسین (۱۳۸۲)، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، ج ۶، ص ۱۰، نشر ادب حوزه، قم.
- الفخر الرازی (۱۴۱۳ق)، التفسیر الکبیر، ج ۸، قم، دفتر تبلیغات.
- امام خمینی(ره)، (۱۳۶۱)، صحیفه نور، ج ۱۵، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پایدار، حبیب الله (۱۳۵۸)، حیات و مرگ تمدن ها، انتشارات تشیع.
- خلیلیان اشکذری، محمد جمال. شاخصهای توسعه انسان محور در جامعه مطلوب و آرمانی اسلام. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۲۸.
- دشتی، محمد (۱۳۸۶)، نهج البلاغه. خطبه ۲۶، قم: موسسه انتشارات حضور.
- رضایی، محمد، کاظمی، عباس و ناظر فصیحی، آزاده (۱۳۹۰)، مطالعات فرهنگی و آینده علوم اجتماعی در ایران، مطالعات فرهنگی ایرانی: انواع و آسیب ها. فصلنامه برگ فرهنگ.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۸ق)، المنیر فی العقیده والشریعه والمنهج، ج ۲، دارالفکر المعاصر، بیروت - دمشق: ۱۴۱۸ ق.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التاویل، ج ۲، بیروت، دارالمعرفه.
- شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷)، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۲)، فلسفه تعلیم و تربیت، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شریعتمداری، علی (۱۳۵۸)، تعلیم و تربیت اسلامی. نشر نهضت زنان مسلمان.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، تحقیق محسن کوچه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی، چاپ دوم
- طبرسی، فضل بن حسن؛ پیشین؛ ج ۱۰، ص ۴۳۰؛ زمخشری، محمود؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷.
- عبدالباقی، محمدفواد (۱۳۷۴)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم. چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی.
- عکبری، عبدالله بن حسین (بی تا)، التبیان فی إعراب القرآن، ریاض: بیت الأفكار الدولیه، ج ۱.
- فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق)، تفسیر من وحی القرآن، ج ۶، بیروت: دارالماک للطباعه والنشر.
- فوزی، یحیی و بصیر نیا، غلامرضا (۱۳۷۸)، مبانی نظری دو رویکرد سلبی و ایجابی به مهندسی فرهنگی در ایران پس از انقلاب، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۴، شماره ۲۳۴.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، تصحیح اعتقادات الإمامیه، تحقیق حسین درگاهی، قم: کنگره شیخ مفید.
- مقاله «قرآن و آسیب شناسی ماهوی فرهنگ» نشریه: پژوهش های قرآنی - تابستان و پاییز ۱۳۸۷ - شماره ۵۴ و ۵۵ - هاشمی
- مقاله «پژوهش های موضوعی: قرآن و شیوه اصلاح فرهنگ» نشریه: پژوهش های قرآنی - تابستان و پاییز ۱۳۸۷ - شماره ۵۴ و ۵۵ - سید موسی
- صدر
- مقاله «سیب شناسی دین داری در بعد عملکرد از منظر قرآن کریم» نشریه: کتاب و سنت - بهار ۱۳۹۴ - شماره ۶ - کاشانی و مستفید.

Principles and rules of cultural engineering in society from the point of view of Quran and narrations

Abstract

Since Islam is based on moral values, as the purpose of the Prophecy is ethics, it includes cultural and personal and social affairs, so that it is observed throughout the verses of the Holy Quran and the traditions of the Prophet (PBUH) and the Imams. In modern era, due to developments and advances, thinkers and sociologists in all societies have felt that individual and social culture, like all other sciences, requires planning and engineering. Hence, the Qur'an and tradition are two valuable sources that can be used to answer this need. Therefore, the purpose of this article is to examine the rules and foundations of cultural engineering in society from the point of view of the Quran and narratives. The present paper is descriptive and its data is collected by library method. In this article, we examined the views of the Quran and narrations on the subject of culture and cultural engineering regarding family, education, society and pathology; it is concluded that Islam is comprehensive and complete so that it covers all aspects and provides a framework for each of cultural dimensions.

Keywords: culture, cultural engineering, Quran, family, education, society